فهرست مطالب

[موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید / مسأله تقلید (ملاک تشخیص مجتهد و اعلم) 2](#_Toc496165936)

[مقدمه 2](#_Toc496165937)

[چهار کتاب رجالی معتبر متقدم 2](#_Toc496165938)

[کتب رجالی متأخرین 2](#_Toc496165939)

[حجیت اخبار رجالیون متقدم 3](#_Toc496165940)

[خبر عن حسٍ 3](#_Toc496165941)

[اخبار حسی و حدسی و اجتهادی 3](#_Toc496165942)

[گواهی صاحبان چهار کتاب رجالی مهم، حس یا حدس 4](#_Toc496165943)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید / مسأله تقلید (ملاک تشخیص مجتهد و اعلم)

# مقدمه

مقوله سندی خبر مسعدة بن صدقه محل بحث قرار گرفت و جمع‌بندی شد، طبق قاعده باید وارد مبحث دلالی روایت بشویم، اما قبل از آن حاشیه‌ای در بحث اساسی و عمده رجالی که بسیار مورد ابتلا است و از بحث‌های بسیار بنیادی رجال و مبانی رجالی است.

# چهار کتاب رجالی معتبر متقدم

کتب رجالی معتبر، عمدتاً چهارکتاب است، به‌عبارت‌دیگر کتب رجالی متقدمین که تقریباً همگی بر اعتماد و اعتنای به آن‌ها در رتبه اول اتفاق‌نظر دارند، عبارت‌اند از:

1 – رجال نجاشی

2 – رجال شیخ

3 – رجال کشی

4 – فهرست شیخ

این چهارکتاب به یک معنا برای سه مؤلف است، برای اینکه رجال نجاشی، تألیف مرحوم نجاشی است، رجال کشی، تألیف کشی است، دو کتاب رجال و فهرست، تألیف شیخ طوسی است، البته بعضی‌ها ذکر کردند که رجال کشی از طریق شیخ ثبت و ضبط شده است.

عمده توثیقات و تضعیفات رجالی به این چهارکتاب برمی‌گردد، تعبیر عمده برای این است که بعضی کتاب‌های دیگری هم هست که کم‌وبیش به آن‌ها اعتماد می‌شود و اینکه بخشی از توثیقات و تضعیفات در خود روایات ذکر شده است، اینکه امام علیه‌السلام توثیق یا تضعیف یا مذمت کرده‌اند، اما عمده توثیقات و تضعیفات به این چهار منبع اصلی از کتب رجالی متقدم برمی‌گردد که مربوط به قرن چهارم و پنجم است.

# کتب رجالی متأخرین

در میان متأخرین کتب دیگری است که حدود پنج کتاب است که در رتبه بعد قرار می‌گیرند، مثل خلاصة الاقوال علامه حلی و امثالهم، بعد از رتبه دوم، در مرتبه بعدی هم کتب رجالی دیگری هم وجود دارد که هرچقدر به زمان‌های بعدی مراجعه می‌شود، اتصالشان به شکل حسی و مستقیم با طبقه‌های قبل قطع می‌شود.

 بیشتر کتب متأخرین، کتاب‌های استدلالی در باب رجال است که صاحب‌نظرانی، اجتهاد و استنباط کردند و کتاب‌های رجالی نوشتند.

# حجیت اخبار رجالیون متقدم

نکته دیگر این است که در حجیت خبر رجالیون متقدم، مبانی و آراء متفاوتی وجود دارد، اینکه گفته می‌شود قولشان حجت است، یا به قولشان مراجعه می‌شود، دلیلش چیست، آیا از باب حس یا خبرویت یا از باب شهادت و امثالهم هست؟ مبنای حجیت قول رجالی و مراجعه به قول رجالی چیست؟ از باب مسائل حسی و اخبار واحد است، یا اینکه اخبار در موضوعات، مثل بیّنه است، یا اینکه بحث اجتهاد و خبرویت است؟

# خبر عن حسٍ

آنچه در مبانی بیشتر قابل‌اعتماد است و مقبول هم هست، این است که قول رجالی همان خبر عن حسٍ است، خبر می‌دهد که به طور مثال این فرد مورد وثوق هست یا خیر، مسئله وثاقت و ضعف و امثالهم، ولو اینکه یک پدیده روانی و روحی و درونی است، خوبی و بدی انسان‌ها یک امر درونی و روانی است، اما این از امور قریب إلی الحس است، ملحق به امور حسی می‌شود، برای اینکه این امور در حرکات و سکنات و اقوال و افعال افراد، ظهور و بروز پیدا می‌کند، وقتی گفته می‌شود که این فرد صالح یا عادل یا ثقه است، ولو اینکه این‌ها اشکال ملکات یا احوال نفسانی است، اما از احوالات نفسانی است که ظهور و بروز دارد، به این دلیل است که این‌ها به امور حسی ملحق می‌شوند، در امور حسی همان خبری است که فردی نقل می‌کند که این شخص انسان مورد ثقه‌ای هست یا این‌طور نیست.

رجالی‌های متأخر بر اساس اخبار حسی اجتهاد می‌کنند، اما نقل اینکه این فرد ثقه یا ضعیف است، این‌یک خبر است، خبر حسی است.

حرف‌هایی که یک فرد برای انسان نقل می‌کند، گاهی خبرهای عادی حسی است که مشمول خبر واحد و در بعضی جاها بیّنه است، گاهی حرف‌های فرد از باب خبرویت در یک موضوع است که بعضی موضوعات، مسائل حدسی خبرویت و کارشناسی است، نه اینکه از مسائل حسی باشند، گاهی هم مسائل اجتهادی است، در میان این مبانی، نتیجه را بیان می‌کنیم، خیلی از بزرگان این مطلب را بیان فرمودند، غالباً معامله‌شان با اخبار رجالیون و اقوال رجالیون، معامله نوع اول است، یعنی این‌ها را گزارش‌های حسی می‌دانند و معامله‌شان از باب معامله با اخبار است، با اقوال خبره و فتوا و امثالهم نیست، مرحوم آقای خویی در معجمشان ذکر کردند، بعضی دیگر هم این مطلب را فرمودند.

# اخبار حسی و حدسی و اجتهادی

اخبار در مقابل انظار خبروی و کارشناسی باید حسی یا قریب به حس باشد، حس این است که فرد رفتار را نظاره کرده است، قریب الی الحس مسائلی است که جنبه‌های روحی و روانی دارد، اما همه‌اش از رفتارها، ظهور و بروز پیدا می‌کند، در مسئله عدالت و وثوق و امثالهم، امور قریب الی الحس هستند که ازنظر عرفی ملحق به حس می‌شود و جایگزین خبر است، یعنی در آنجا بیان می‌شود که آیا خبرش حجت است یا حجت نیست.

در متقدمین اصل این است که مسئله حسی و قریب الی الحس است و ملحق به خبر است، یعنی ثقه، عادل و فاسق بودن، مسائل حسی یا قریب الی الحس است، از مجاری حس باید اثبات یا نفی بشوند.

دو مقدمه ذکر شد:

1 – مقدمه اول این بود که کتب رجالی به چندطبقه تقسیم می‌شود و طبقه اولی که به آن اعتماد می‌شود، عمدتاً چهارکتاب است، آنچه بعداً می‌آید، متکی بر همین منابع و بعضی از منابع متفرقه دیگر و اجتهادات خودشان است.

2 – مقدمه دوم این بود که مسائل از قبیل وثاقت و ضعف و عدالت و فسق، امور حسیه و قریب الی الحس است و عمدتاً کتب متقدم که به آن‌ها مراجعه می‌شود، از باب حس است، گرچه ممکن است بعضی مواردش حالت اجتهادی و صاحب‌نظری را داشته باشد.

شبهه بسیار مهمی که کم‌وبیش در کتاب‌ها ذکر شده است، در بحوث فی علم الرجال صفحه 50 تا 60 مربوط به این شبهه است، مرحوم آقای خویی در مقدمه ذکر کرده‌اند، آقای ایروانی در دروس تمهیدیه فی علم رجال هم این شبهه را ذکر کردند.

این شبهه بسیار مهم است، برای اینکه در مهم‌ترین منابع رجالی شیعه به‌عنوان یک سؤال مهم مطرح می‌شود، عمده توثیق و تضعیف‌ها به این چهارکتاب برمی‌گردد.

# گواهی صاحبان چهار کتاب رجالی مهم، حس یا حدس

سؤال این است که آیا گواهی‌هایی که شیخ و کشی و نجاشی راجع به چند هزار محدث روایات شیعه می‌دهند، حس یا حدس است؟ علی‌القاعده گواهی حسی می‌دهند، اگر حس باشد، سؤال این است که این بزرگان متعلق به قرن چهارم و پنجم هستند، اما رواتی که در کتب این بزرگان توثیق یا تضعیف‌شده‌اند، متعلق به قرن اول و دوم هستند، لذا میان آن‌ها چند قرن فاصله است، علی‌القاعده مرحوم کشی و به‌ویژه شیخ و نجاشی متأخرتر هستند، به طور مستقیم با روات ارتباط نداشتند، لذا خبرها باواسطه به این بزرگان رسیده است و این خبرها مرسل هستند، همان‌طور که در روایات و احادیث خبر مسند و مرسل وجود دارد، در گواهی رجالیون هم خبرها و شهادت‌ها و توثیق و تضعیف‌های مُسند وجود دارد، اما عمده گواهی‌های توثیق و تضعیف، مرسله است، مرسلات هم معتبر نیستند.

اگر گفته شود که اخبار این بزرگان حسی نیست و حدس و اجتهاد آن‌ها بوده است، به طور مثال مرحوم آقای خویی در معجم الرجال اجتهاد می‌کند که این فرد ثقه یا ضعیف است، همچنین مامقانی در تنقیح المقال اجتهاد می‌کند، اگر هم اجتهاد باشد، اجتهاد برای ما معتبر نیست.

بنابراین گزارش‌هایی که در منابع اولیه و اصلی رجالی آمده است و مشخصاً و عمدتاً این چهارکتاب هستند که یا اخبار حسیه‌ است کما هو ظاهر و غالباً هم این مورد پذیرفته‌شده است، یا حدس و اجتهاد است.

اگر حس باشد، مُرسل است، مرسلات هم اعتبار ندارند، اگر هم حدس و اجتهاد باشد، اجتهاد آن‌ها برای ما اعتباری ندارد.

یکی از پاسخ‌هایی که ممکن است مطرح بشود این است که این‌ها اخبار متواتره داشتند، وقتی نجاشی و کشی و شیخ به طور مثال می‌گویند که زراره ثقةٌ، به شکل متواتر اخبار توثیق و تضعیف را داشتند، آن‌قدر کتاب در اختیار این بزرگان بوده که اخبار در حد تواتر است.

جواب اول بعید است، بخصوص اگر تسری به همه گواهی‌های چهارکتاب داده شود، ممکن است در بعضی از روات مثل زراره، مسلم و امثالهم تواتر داشته است، در جامعه شیعی وثاقت زراره یا یونس عبدالرحمن و امثالهم امکان دارد که یک تواتری در آن‌ها باشد، فی‌الجمله این پاسخ موردقبول است، اما بالجمله خیلی بعید است و اینکه اگر این مسئله بود، حتماً خودشان اشاره می‌کردند، همچنین اختلافاتی که این چهارکتاب با یکدیگر در مورد روات دارند.